

اثر عدم اطمینان درباره افراد بر هم‌نوايي با رفتار جامعه پسند و نقش تعديل کننده جنسيت و نياز به بندش

فهيمة قدریان^۱، سوسن عليزاده فرد^{۲*}، خاتره برهانی^۳

۱. کارشناسی ارشد علوم شناختی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشیار روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. استادیار علوم شناختی و مغز، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹

The effect of uncertainty about people on conformity to prosocial behavior and the moderating role of gender and need for closure

Fahime Ghadrian¹, Susan Alizade Fard^{2*}, Khatere Borhani³

1. M.sc. in Cognitive Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor of Cognitive and Brain Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 2022/11/20

Accepted: 2023/02/27

10.30473/sc.2024.69780.2940

Abstract

Introduction: This research was conducted with the aim of investigating the effect of uncertainty about others on conformity to prosocial behavior and the moderating role of gender and need for closure. **Method:** The statistical population of this study included men and women aged 20 to 40, which 120 subjects were selected through available sampling. A computer-based task in the form of a profitable game was designed using the Psychopy software to assess the prosocial behavior of the participants in different conditions of ambiguous stimulus exposure. Also, a short form of the Need for Closure Questionnaire by Reiss and Pilati (2020) was employed. The data were modeled using mixed models' methods in the R software. **Results:** In the modeling of the results of the research, the most favorable model showed that exposure to an ambiguous stimulus with a coefficient of 0.84 and the variable of the need to be closure with a coefficient of 0.54 led to an increase in conformity behavior in conformity of prosocial behavior. and the need to closure has a moderating role. Also, gender was not included in the optimal model and its effect was not significant. **Conclusion:** The results of the current study showed that exposure to ambiguous conditions causes an increase in conformity of prosocial behavior and that the need for closure has a positive role in this effect; however, gender does not play a role in this effect.

Keywords: Prosocial behavior, Conformity, Uncertainty, Need for closure, Gender.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی اثر عدم اطمینان درباره افراد بر هم‌نوايي با رفتار جامعه‌پسند و نقش تعديل کننده جنسيت و نياز به بندش انجام گرفته است. **روش:** جامعه آماری این پژوهش شامل زنان و مردان ۲۰ تا ۴۰ سال بود که از آن تعداد ۱۲۰ آزمودنی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها تکلیفی مبتنی بر رایانه به شکل یک بازی سودآور با استفاده از نرم افزار سایکوپای طراحی گردید تا میزان رفتار جامعه‌پسند آنها در شرایط مختلف مواجهه با محرک مبهم بررسی شود. همچنین از فرم کوتاه پرسشنامه نياز به بندش ریس و پیلاتی (۲۰۲۰) نیز استفاده شد. داده‌ها با روش مدل‌های آمیخته و در نرم‌افزار R مدل‌سازی شد. یافته‌ها: در مدل‌یابی حاصل از نتایج پژوهش، مطلوب‌ترین مدل نشان داد که مواجهه با محرک مبهم با ضریب ۰/۸۴ و متغیر نياز به بندش با ضریب ۰/۵۴ موجب افزایش رفتار هم‌نوايي در بروز رفتار جامعه‌پسند شده‌اند و نياز به بندش نقش تعديل کننده دارد. همچنین جنسيت در مدل مطلوب وارد نشده و اثر آن معنادار نبود. نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که مواجهه با شرایط مبهم موجب افزایش هم‌نوايي بروز رفتار جامعه‌پسند می‌نماید و نياز به بندش این امر را افزایش می‌دهد اما جنسيت نقشی در این اثر ندارد.

کلیدواژه‌ها: رفتار جامعه‌پسند، هم‌نوايي، عدم اطمینان، نياز به بندش، جنسيت.

مقدمه

در دهه‌های اخیر رفتارهای جامعه‌پسند و کنش‌های دگرخواهانه افراد، از موضوع‌های مورد توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی، مددکاران اجتماعی و متخصصان تعلیم و تربیت بوده‌است. ایزنبرگ، فیبس و اسپینارد^۱ (۲۰۰۶) رفتارهای جامعه‌پسند یا رفتارهای مثبت اجتماعی را رفتار داوطلبانه‌ای می‌دانند که با هدف سود رساندن به دیگری انجام می‌شود.

از نظر لمپرایدیس و پاپایستالیانو^۲ (۲۰۱۷)، رفتارهای جامعه‌پسند بازتاب ماهیت مطلوب انسان هستند. اکثر محققان رفتارهای جامعه‌پسند آشکار را مشارکت، کمک‌رسانی، پاس‌خدهی همدلانه و همکاری تعریف کرده‌اند (اسکورفیلد، بتان، نیلسون و مک‌گافین^۳ ۲۰۰۴). در مطالعه‌ای که از سوی آکنین، وندروورت و هم‌لین^۴ (۲۰۱۸) صورت گرفت به این سوال پرداختند که چه چیزی الهام بخش و تقویت‌کننده تمایل برای کمک به دیگران است؟ در پژوهش ایشان، شواهدی ارائه می‌شود که نشان می‌دهند احساس مثبت باعث ترویج رفتار جامعه‌پسند در انسان می‌شود. آگاهی از احساس و موقعیت دیگران در تعامل‌های بین فردی نیز می‌تواند به بروز رفتارهای جامعه‌پسند منجر می‌شود (هافمن^۵ ۲۰۰۲). سلمن^۶ (۲۰۰۳) نیز بیان کرده است که توانایی درک و هماهنگ کردن دیدگاه شخصی خود با شخص دیگر تعیین‌کننده رشد اخلاقی و اجتماعی از یک سو و رفتارهای جامعه‌پسند از سوی دیگر است. رفتارهای جامعه‌پسند در بهینه‌سازی شرایط اجتماعی افراد نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و به عنوان یکی از جنبه‌های مهم تحول اخلاقی محسوب می‌شوند (پادیلوالوکر و فرایسر^۷، ۲۰۱۴).

همچنین علاوه بر این موارد بروز رفتار جامعه‌پسند ممکن است به شکل غیرمستقیم به سود بیرونی برای فرد نیز منجر شود. برای مثال پژوهش جین و همکاران^۸ (۲۰۲۰) نشان داد که در شرایط پرسود همواره رفتار جامعه‌پسند افزایش می‌یابد. سیلور و سیلورمن^۹ (۲۰۲۲) نیز نشان دادند که اگر

پاداش‌های تعیین شده برای یک رفتار جامعه‌پسند نامشخص باشد و بازهم افرادی در این شرایط اقدام نمایند، از دید ناظران آنها افرادی بسیار خیرخواه و یاری‌رسان و مثبت‌تر محسوب می‌شوند و به‌نوعی فرد از مزایای توجه و تایید اجتماعی بهره می‌برد. به عبارتی اقدام به این دسته از رفتارها ممکن است به شکلی مستقیم غیرمستقیم به سود فرد باشد. این سود وقتی شکل درونی داشته باشد منجر به خودافزایی می‌گردد؛ به عبارتی ما باید بتوانیم با اعمال خود احساس خوبی نسبت به خودمان داشته و عزت نفس مان را حفظ کنیم (فیسک، ترجمه علیزاده و همکاران، ۱۴۰۰).

مطالعه‌های متعددی بر اهمیت بسیار زیاد رفتارهای جامعه‌پسند در سازگاری انسان و عوامل توسعه دهنده این رفتارها تاکید کرده‌اند (کوان، لی، یانگ، سانگ و ونگ^{۱۰}، ۲۰۲۲). به دلیل پیامدهای مثبتی که رفتار جامعه‌پسند دارد، مطالعه آن و بررسی عوامل اثرگذار بر آن از اهمیت خاصی برخوردار است و بررسی عوامل مؤثر بر آن در الویت موضوع‌های پژوهشی قرار دارد. یکی از این حیطه‌های مهم موضوع عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری برای انجام یک رفتار جامعه‌پسند است.

افراد برای قضاوت و تصمیم‌گیری از سازوکارهای مختلفی استفاده می‌کنند. یک راه ممکن، فراخوانی آگاهانه اطلاعات مربوط به هدف و یکپارچه کردن این اطلاعات برای رسیدن به یک قضاوت است، اما در حقیقت تصمیم افراد بیش از جنبه آگاهانه، تحت تأثیر سازوکارهای خودکار و ناآگاهانه قرار دارد (گریفیندر، ترجمه علیزاده و زارع، ۱۳۹۹). از جمله عوامل مهم خودکار در تصمیم‌گیری رفتار جامعه‌پسند می‌توان به "عدم قطعیت و نیاز به بندش" اشاره نمود.

طبق نظر اسلیزمن و کولون (۲۰۱۷) وقتی با تصمیم برای اقدام به یک رفتار مواجه می‌شویم، میزان عدم اطمینان تجربه شده باعث گریز از این شرایط شده و لذا عدم اقدام به این رفتار را موجب می‌شود. عدم اطمینان در مورد چگونگی تأثیر نتایج انتخاب‌ها و تصمیم‌های ما بر دیگران، زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحقیقات گذشته حاکی از آن است که عدم قطعیت تأثیر منفی بر رفتارهای جامعه‌پسند دارد، زیرا افراد را قادر

1. Eisenberg, Fabes & Spinrad
2. Lampridis & Papastilianou
3. Scourfield, Bethan, Neilson & McGuffin
4. Aknin, Vondervoort, Hamlin
5. Hoffman
6. Selman, R. L
7. Padilla-Walker, & Fraser
8. Jin Li, Yu Sun, Mei Li, Hui'e Li, Wei Fan, Yiping Zhong
9. Silver, & Silverman

عین حال انگیزه فرد در پردازش اطلاعات در شرایط مبهم یعنی صفت نیاز به بندش و تمایل او به رسیدن به پاسخی واضح و روشن می‌تواند بر رفتارهای جامعه‌پسند او تأثیر بگذارد (ریز و پیلاتی^۷، ۲۰۲۱).

لازم به ذکر است که ظاهراً این عوامل شناختی وابسته به یک صفت فردی مهم دیگر یعنی جنسیت نیز هستند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که بروز رفتارهای جامعه پسند در زنان بیش از مردان است (کاماس و پرستون^۸، ۲۰۲۱). همچنین نیاز به بندش نیز در زنان بیش از مردان دیده شده است (مورگنروت^۹ و همکاران، ۲۰۲۱). همنوایی نیز موضوعی است که در ادبیات پژوهش وابسته به جنسیت معرفی شده و میزان همنوایی زنان بیش از مردان تخمین زده می‌شود (علیزاده فرد، ۱۳۸۹). بنابراین، عامل جنسیت نیز باید در بررسی‌های مربوط به عوامل موثر بر تصمیم‌گیری برای اقدام به یک رفتار جامعه‌پسند در شرایط مبهم مورد توجه قرار گیرد.

در مجموع، تصمیم‌گیری برای رفتار جامعه‌پسند در مواجهه با شرایط مبهم وظیفه‌ای دشوارتر است. از آنجا که در زمینه زندگی واقعی، در بیشتر موارد از نتایج رفتار (به‌طور کلی) اطمینان کامل نداریم، در نتیجه عموماً در یک بستر مبهم اقدام می‌نماییم. اقدام در این شرایط سخت‌تر و پیچیده‌تر از شرایط روشنی است که نتایج مثبت رفتار جامعه‌پسند خود را پیش‌بینی کامل می‌نماییم. حال این سوال مطرح می‌گردد که آیا رفتارهای جامعه پسند در رویارویی با شرایط مبهم نیز تحت تأثیر نظر دیگران و همنوایی قرار می‌گیرد؟ و تا چه حد عواملی چون جنسیت و نیاز به بندش در این امر سهیم هستند؟ بنابراین پژوهش حاضر در تلاش بود تا نقش جنسیت و نیاز به بندش در همنوایی برای تصمیم و بروز رفتار جامعه‌پسند در شرایط مبهم را مطالعه نماید.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش نیمه آزمایشی بر اساس طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زنان و مردان ۲۰ تا ۴۰ ساله شهر تهران بود که به‌صورت در دسترس نمونه‌ای از آن انتخاب گردید. پژوهشگران برای تحقیق‌های تجربی و نیمه تجربی، تعداد ۱۵ نفر برای هر یک از گروه‌های آزمایش و گواه پیشنهاد داده‌اند

می‌سازد تا روایت‌های خودخواهانه در مورد اعمال خود را اتخاذ کنند. ما دائماً با تصمیم‌هایی روبرو هستیم که ممکن است عواقبی برای دیگران داشته باشد، و وقتی تصمیم‌های ما بر دیگران تأثیر می‌گذارد، هرگز نمی‌توانیم در مورد نحوه واکنش آنها مطمئن باشیم (هاموند و فلتچر^۱، ۱۹۹۱). شواهد حاکی از آنست که عدم قطعیت و شرایط مبهم تهدیدی برای افراد ایجاد می‌کند و منجر به ایجاد ترس در آنها و کاهش رفتار جامعه‌پسند می‌شود. در واقع، ابهام به عنوان سوگیری قدرتمندی در تصمیم‌گیری شناخته شده که کماکان تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف رفتار جامعه‌پسند تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است (وایوز و فلدمن هال^۲، ۲۰۱۸). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مواجهه با وضعیت مبهم موجب افزایش همنوایی و تبعیت از تصمیم دیگران می‌گردد. در واقع، افراد بر ابهام خود با تکیه بر نظر دیگران غلبه می‌نمایند (علیزاده فرد، ۱۳۹۰؛ ۱۳۸۹).

همچنین، عدم قطعیت منجر به ایجاد اضطراب و صفتی در انسان می‌شود که از آن با عنوان "نیاز به بندش" نام برده شده است و یکی از دلایلی است که باعث ایجاد ترس در شرایط ابهام می‌شود. مفهوم "نیاز به بندش" ابتدا توسط کروگلانسکی^۳ (۱۹۹۰) بیان شد و به معنای پاسخ افراد در هنگام مواجهه با شرایط مبهم می‌باشد. به‌طور کلی نیاز به بندش به معنای انگیزه دستیابی به قطعیت و ثبات در تصمیم‌گیری، قضاوت‌ها و انتخاب‌ها می‌باشد. صفت نیاز به بندش یک نیروی انگیزشی قدرتمند است که افراد را به مشارکت در ارزیابی‌ها و اقدام کاهش‌دهنده عدم قطعیت سوق می‌دهد (دکریستوفارو، پلگرینی، بالدنر، ون زومرن، لیوی و پیرو^۴، ۲۰۱۹). برطبق نظر روتز^۵ (۲۰۱۷) صفت نیاز به بندش در اشخاص اشاره به انگیزه‌ای درونی در شخص برای داشتن اطلاعات دقیق و رسیدن به پاسخی واضح و روشن است. بریزی و همکاران^۶ (۲۰۱۶) دریافته‌اند که در شرایط عدم قطعیت، افرادی با نیاز به بندش بالا، علیه گروه خودی و افراد غریبه رفتار می‌کنند. در واقع، در شرایط عدم اطمینان، صفت نیاز به بندش ممکن است نقش تعدیل کننده داشته باشد و بر شدت یا جهت رفتارهای اجتماعی تأثیر بگذارد. در

1. Hammond & Fletcher
2. Vives, & FeldmanHall
3. Kruglanski
4. De Cristofaro, Pellegrini, Baldner, van Zomeren, Livi, & Pierro
5. Roets
6. Brizi et al.

7. Reis, Pilati
8. Kamas & Preston
9. Morgenroth

اجازه چرخاندن گردونه وجود داشت. اما به افراد گفته شد که به ازای کمک به دیگران و به پاس بخشیدن سهمی از امتیاز اولیه خود به افراد نیازمند، شانس چرخاندن مجدد گردونه نصیب آنها خواهد شد؛ به شکلی که بخشش بیشتر مساوی با دفعات بیشتر چرخاندن گردونه بود. به این منظور افراد نیازمندی معرفی می‌شدند تا در صورت تمایل به میزان دلخواه به آنها کمک کنند. این افراد نیازمند (زن و مرد) در سه گروه افراد با خصوصیات مثبت، افراد با خصوصیات منفی و افراد با خصوصیات مبهم قرار داشتند. در مرحله اول میزان کمک به هر یک از گروه‌های مثبت، منفی و مبهم بررسی و ثبت می‌شد.

در ادامه از فرد خواسته می‌شد تا مجدداً میزان کمک خود را بررسی و در صورت تمایل، مقدار آن را تغییر داده و یا به همان اندازه حفظ نماید؛ با این تفاوت که ابتدا میزان کمک سایرین به هر فرد اعلام می‌شد. در واقع، مشخص می‌گردید که افراد برای کمک به هر فرد نیازمند، تا چه اندازه تحت تأثیر میزان کمک سایرین قرار گرفته و با دیگران هم‌نوازی می‌کنند. میزان کمک به هر یک از گروه‌های مثبت، منفی و مبهم در این مرحله نیز بررسی و ثبت شد.

در تمام مراحل پژوهش اصول اخلاق پژوهشی مانند شرکت داوطلبانه، محرمانه بودن اطلاعات و سایر موارد رعایت شده و این پژوهش دارای کد اخلاق به شماره IR.PNU.REC.1402.179 از کمیته اخلاق دانشگاه پیام نور بود. مدل سازی و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار R نسخه ۳.۱.۳ بر اساس مدل‌های آمیخته^۴ انجام شد.

یافته‌های پژوهش

در اولین مرحله، برای بررسی و توصیف داده‌های به دست آمده از گروه نمونه، از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی (میانگین و انحراف معیار) استفاده شد تا از چگونگی نمره‌های به دست آمده از متغیرهای مورد مطالعه اطلاعات لازم کسب شود. به این منظور نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای هر سه حالت ارائه تکلیف به تفکیک جنسیت بررسی شد که نتایج آن در جدول ۱ درج شده است.

در ادامه روابط متغیرها در قالب مدل تحلیل شد. در مدل‌بندی متغیرهای محرک مثبت، منفی، مبهم، متغیر نیاز به

(گال و بورگ^۱، ۲۰۰۶). بنابر طرح پژوهش به شکل ۸ گروه و شامل دو گروه آزمایش و گواه، دو گروه زن و مرد و دو گروه نیاز به بندش بالا و پایین (۲×۲×۲) بود. تعداد ۱۵ نفر برای هر گروه و در مجموع ۱۲۰ نفر مورد بررسی قرار گرفت. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از:

– جهت گروه‌بندی افراد در دو گروه نیاز به بندش بالا و نیاز به بندش پایین، از پرسشنامه نیاز به بندش استفاده شد. نسخه ابتدایی این پرسشنامه در سال ۱۹۹۴ توسط ویستر و کروگلانسکی^۲ طراحی شد و بعد از آن ریس و پیلاتی در سال ۲۰۲۰ نسخه کوتاه شده منتشر شد. در این مطالعه، از این نسخه فرم کوتاه استفاده شده است. این نسخه از مقیاس نیاز به بندش دارای ۱۵ گویه است که در مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۶ (کاملاً موافقم) رتبه‌بندی شده است. نمره کلی از جمع امتیاز تمام گویه‌ها بدست آمده و نمره کل تا ۳۰ به معنی نمره پایین مقیاس نیاز به بندش و نمره‌های بین ۷۵ تا ۹۰ نمره‌های بالا برای این مقیاس محسوب می‌شوند. روایی و اعتبار این مقیاس توسط سازندگان آزمون بررسی شده و مورد تایید قرار گرفته است. در ایران نیز توسط علیزاده‌فرد و همکاران مورد بررسی قرار گرفته و مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و ضریب بازآمیزی ۰/۸۶ برای آن گزارش شده است.

– جهت بررسی تصمیم‌گیری و انجام رفتار جامعه پسند در شرایط مبهم، یک تکلیف (آزمون) مبتنی بر رایانه با کمک نرم‌افزار ساینکوپای^۳ نسخه StandalonePsychoPy-2023.1.2 ساخته شد. در این تکلیف فرد وارد یک بازی شانس می‌شد تا با چرخاندن یک گردونه و بر حسب نمره‌ای که گردونه روی آن می‌ایستد، امتیاز جمع‌آوری کند. معادل ریالی امتیازهای حاصله نتیجه بازی با این تکلیف بود. در آغاز ۱۰۰۰ امتیاز (معادل یک میلیون تومان) به‌عنوان اعتبار اولیه به شرکت‌کننده تعلق می‌گرفت و امتیاز گردونه نشان‌دهنده درصدی بود که از کل امتیاز ۱۰۰۰ به فرد داده می‌شد. مثلاً اگر گردونه روی عدد ۲۰ توقف می‌کرد، ۲۰ درصد از ۱۰۰۰ یعنی معادل ۲۰۰۰۰۰ تومان جایزه فرد بود. در حالت اولیه بازی فقط یک بار

1. Gall, J. & Borg. R.
2. Webster & Kruglanski
3. Psychopy

4. Mixed models

بندش و جنسیت را به عنوان متغیر با اثر ثابت و هر فرد به عنوان متغیری با اثر تصادفی در نظر گرفته شد و با جا به جایی سن به عنوان متغیر با اثر ثابت، در چند مدل به شکل سلسله مراتبی برازش گردید که برازش هر مدل در جدول ۲ قابل مشاهده است. همچنین معیارهای مورد استفاده برای مقایسه مدل های مختلف در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمره رفتار کمک‌رسانی آزمودنی‌ها

حالت ارائه تکلیف	مرحله	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
مواجهه با محرک مثبت	پیش آزمون	مرد	۶۰	۳۹۵	۱۵۰/۰۶
		زن	۶۰	۴۲۵	۱۴۸/۰۱
		کل	۱۲۰	۴۱۰	۱۴۹/۱۷
	پس آزمون	مرد	۶۰	۴۵۰	۱۶۸/۲۴
		زن	۶۰	۴۴۶/۶۶	۱۸۸/۱۸
		کل	۱۲۰	۴۴۸/۳۳	۱۷۷/۷۴
مواجهه با محرک منفی	پیش آزمون	مرد	۶۰	۱۳۸/۳۳	۹۲/۲۳
		زن	۶۰	۱۲۸/۳۳	۱۲۰/۸۶
		کل	۱۲۰	۱۳۳/۳۳	۱۰۷/۱۷
	پس آزمون	مرد	۶۰	۱۷۰	۱۰۳/۰۱
		زن	۶۰	۱۸۵	۱۴۴/۷۷
		کل	۱۲۰	۱۷۷/۵	۱۲۵/۳۳
مواجهه با محرک مبهم	پیش آزمون	مرد	۶۰	۴۶/۶۷	۷۹/۱۲
		زن	۶۰	۳۱/۶۷	۵۶/۷۲
		کل	۱۲۰	۳۹/۱۷	۶۸/۹۶
	پس آزمون	مرد	۶۰	۱۰۶/۶۷	۱۱۶/۲۵
		زن	۶۰	۱۱۶/۶۷	۱۲۵/۱۰
		کل	۱۲۰	۱۱۱/۶۷	۱۲۰/۳۵

جدول ۲. مدل‌بندی اثرهای آمیخته برای مقایسه میزان همنوایی رفتار جامعه پسند با متغیرهای دیگر

model-0	Unc.c ~ Unc + (1 SubID)
model-1	Unc.c ~ Unc + NFC + (1 SubID)
model-2	Unc.c ~ Unc + NFC + (1 SubID)
model_3	Neg.c ~ Neg + NFC + (1 SubID)
model_4	Pos.c ~ Pos + NFC + (1 SubID)
model_5	Unc.c ~ Unc + NFC + (1 SubID)
model_6	Neg.c ~ Neg + NFC + (1 SubID)
model_7	Pos.c ~ Pos + NFC + (1 SubID)
model_8	Unc.c ~ Unc + NFC + Gender + (1 SubID)
model_9	Unc.c ~ Unc + NFC + Gender + (1 SubID)
model_10	Neg.c ~ Neg + NFC + Gender + (1 SubID)
model_11	Pos.c ~ Pos + NFC + Gender + (1 SubID)
model_12	Unc.c ~ Unc + NFC + Gender + (1 SubID)
model_13	Pos.c ~ Pos + NFC + Gender + (1 SubID)

جدول ۳. معیارهای مورد استفاده برای مقایسه مدل های مختلف

	AIC	BIC	logLik	deviance	Chisq	Pr(>chisq)
model_0	۲۶۵۸/۴	۲۶۷۲/۳	-۱۳۲۵/۲	۲۶۵۰/۴		
model_1	۲۶۶۱/۳	۲۶۸۲/۲	-۱۳۲۴/۶	۲۶۴۹/۳	۱۹۲/۴۱۱۵	<۲e-۱۶ ***
model_2	۲۶۵۹/۴	۲۶۷۶/۸	-۱۳۲۴/۷	۲۶۴۹/۴	۱۹۲/۴۱۱۵	۰/۳۰۶۶
model_3	۲۶۶۳/۳	۲۶۸۰/۷	-۱۳۲۶/۶	۲۶۵۳/۳	۰/۰۰۰	
model_4	۲۸۵۱/۷	۲۸۶۹/۱	-۱۴۲۰/۸	۲۸۴۱/۷	۰/۰۰۰	
model_5	۲۶۶۱/۳	۲۶۸۲/۲	-۱۳۲۴/۶	۲۶۴۹/۳	۰/۰۰۰	
model_6	۲۶۶۵/۲	۲۶۸۶/۱	-۱۳۲۶/۶	۲۶۵۳/۲	۰/۰۰۰	
model_7	۲۸۵۳/۶	۲۸۷۴/۵	-۱۴۲۰/۸	۲۸۴۱/۶	۰/۰۰۰	
model_8	۲۶۵۹/۹	۲۶۸۰/۸	-۱۳۲۳/۹	۲۶۴۷/۹	۰/۰۰۰	
model_9	۲۶۶۱/۷	۲۶۸۶/۰	-۱۳۲۳/۸	۲۶۴۷/۷	۰/۰۰۰	<۲e-۱۶ ***
model_10	۲۶۶۴/۰	۲۶۸۴/۹	-۱۳۲۶/۰	۲۶۵۲/۰	۰/۰۰۰	
model_11	۲۸۵۲/۶	۲۸۷۳/۵	-۱۴۲۰/۳	۲۸۴۰/۶	۰/۰۰۰	
model_12	۲۶۶۱/۹	۲۶۸۶/۲	-۱۳۲۳/۹	۲۶۴۷/۹	۰/۰۰۰	
model_13	۲۸۵۴/۶	۲۸۷۹/۰	-۱۴۲۰/۳	۲۸۴۰/۶	۰/۰۰۰	
model_14	۲۶۶۶/۰	۲۶۹۰/۳	-۱۳۲۶/۰	۲۶۵۲/۰	۱۸۸/۶۵۹۴	

جدول ۴. اثرهای ثابت متغیرهای پژوهش بر هم‌نوایی رفتار جامعه‌پسند در مدل شماره ۱

آماره تی	خطای انحراف استاندارد	برآورد
۱۵/۱۱۰	۰/۰۵۵	۰/۸۴۲ وضعیت مبهم
۱/۰۱۵	۰/۵۲۶	۰/۵۳۴ نیاز به بندش
۰/۲۱۲	۳۴/۹۶۳	۷/۴۱۴ باقیمانده

با توجه به نتایج جدول ۴ که مربوط به مدل شماره ۱ است، مشاهده می‌شود ضرایب متغیر وضعیت مبهم و نیاز به بندش هر دو مثبت می‌باشند و رابطه مستقیمی با هم‌نوایی دارند، به شکلی که مواجهه با محرک مبهم به میزان ۰/۸۴ در میزان هم‌نوایی اثر مستقیم دارد و چنانچه انتظار می‌رفت درصد بالایی را به خود اختصاص داده است. متغیر نیاز به بندش نیز با هم‌نوایی رابطه مثبت داشته و به میزان ۰/۵۳ در هم‌نوایی موثر واقع شده است. در نهایت نیز مشخص است که ورود متغیر جنسیت در هیچ‌یک از مدلها برازش مناسبی نداشته و اثر معناداری بر میزان هم‌نوایی ندارد.

با توجه به خروجی مدل‌ها در جدول ۳ دو معیار برای انتخاب مدل بهینه مورد استفاده قرار گرفت. معیار اطلاعاتی آکائیکه^۱ (AIC) که معیاری برای سنجش نیکویی برازش است. این معیار نشان می‌دهد که استفاده از یک مدل آماری به چه میزان باعث از دست رفتن اطلاعات می‌شود. به عبارت دیگر، این معیار تعادلی میان دقت و پیچیدگی آن برقرار می‌کند. با توجه به داده‌ها، مدل های رقیب با یکدیگر مقایسه شده و مدل دارای کمترین AIC، بهترین مدل است. معیار اطلاع تفکیک کنندگی بیزی^۲ (BIC) که معیاری مرتبط با معیار اطلاعاتی آکائیکه است. معیار اطلاع تفکیک کنندگی بیزی نیز هر چه قدر کوچکتر باشد، نیکویی برازش مدل بهتر خواهد بود. با توجه به جدول ۳ می‌توان به این نتیجه رسید که تنها مدل‌های شماره ۱ و ۹ معنی‌دار هستند و همچنین مدل شماره ۱ کمترین مقدار را برای AIC و BIC دارد، یعنی بهترین مدل برای برازش تأثیر عوامل بر هم‌نوایی رفتار جامعه‌پسند را داراست.

در نتیجه با توجه به انتخاب مدل بهینه شماره ۱، اثرات متغیرهای پژوهش در جدول ۴ مشخص شده است.

1. Akaike information criterion
2. Akaike information criterion

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثر عدم اطمینان درباره افراد بر میزان هم‌نواپی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به رفتار جامعه‌پسند انجام گرفت. نتایج نشان داد که مدل‌بندی متغیرها تنها با ورود متغیر ابهام و عدم اطمینان درباره افراد، به مدلی معنی‌دار تبدیل شد و مواجهه با محرک‌های مبهم موجب افزایش ۸۴ درصدی بر افزایش هم‌نواپی در تصمیم‌گیری برای بروز رفتار جامعه‌پسند می‌گردد. این یافته با نتایج پژوهش‌های ریس (۲۰۲۱)، کرلی، یاتس و ابرام^۱ (۱۹۸۶)، فورنهام و مارکز^۲ (۲۰۱۳)، برنس، ولریس، والتون و راشورس^۳ (۲۰۰۷) و هولت و لوری^۴ (۲۰۰۲) کاپس، نوسبرگر، فابر، کاهانه، ولسکو و کروکت^۵ (۲۰۱۸) همسو می‌باشد.

در زمینه‌های اجتماعی عدم قطعیت همواره امر مهم و قابل‌توجهی است که مناسبات افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گریفیندر، ترجمه علیزاده و زارع، ۱۳۹۹). این امر به ویژه زمانی مهم‌تر می‌شود که فرد باید برای چگونگی تعامل با دیگران تصمیم‌گیری نماید (هاگ^۶، ۲۰۰۰). حتی در تصمیم‌گیری‌های غیراجتماعی نیز عدم قطعیت به عنوان یک عامل تأثیرگذار قوی در نحوه ارزیابی گزینه‌های موجود شناخته شده است (برنس و همکاران، ۲۰۰۷). در تکالیفی که به شکل بازی‌های اقتصادی اجرا می‌گردد نیز تمایل به همکاری و رفتار جامعه‌پسند در مواجهه با عدم اطمینان کاهش می‌یابد (ون‌دایک و همکاران^۷، ۲۰۰۴). علاوه بر این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد در زمانی که نامطمئن هستند ممکن است کمتر مایل به فداکاری برای منافع دیگران باشند (فیلیپس و کوشمن^۸، ۲۰۱۷). اگرچه برخی از مطالعه‌ها سعی در بیان تأثیر منفی عدم اطمینان بر همکاری و بروز رفتارهای خودخواهانه داشتند، اما به نظر می‌رسد که این امر ناشی از میل به تأیید خود و اجتناب از تبعات تصمیم‌گیری اشتباه صورت می‌پذیرد (فیسک، ترجمه علیزاده فرد و همکاران، ۱۴۰۰). در واقع، افراد معمولاً از عدم قطعیت می‌گریزند و به‌نوعی سعی دارند تا فشار خطرپذیری تصمیمات مربوط به شرایط مبهم را با کمک هم‌نواپی با

دیگران و شراکت در مسئولیت تصمیم‌گیری کاهش دهند (هولت و لوری، ۲۰۰۲).

در ادامه نتایج پژوهش مشخص ساخت که نیاز به بندش بر اثر عدم اطمینان بر افزایش میزان هم‌نواپی در تصمیم‌گیری‌های رفتار جامعه‌پسند نقش تعدیل‌کننده داشته و نیاز به بندش با تأثیر ۵۴ درصدی خود اثر مثبتی در افزایش هم‌نواپی در این شرایط دارد. این یافته نیز با نتایج تحقیقات کروگلاسکی^۹ (۱۹۹۰)، بریزی و همکاران (۲۰۱۶)، ریس (۲۰۲۱)، دکریستوفارو و همکاران (۲۰۱۹) و ریز و پیلاتی (۲۰۲۱) همسو است. اگرچه ممکن است نیاز به بندش با عدم اطمینان مشابه به نظر برسد، اما تفاوت‌های مهمی با آن دارد. ناتوانی در تحمل عدم اطمینان به دیدگاه افراد نسبت به شرایط عدم اطمینان بستگی دارد؛ در بعضی افراد مواجهه با عدم اطمینان به عنوان مسئله‌ای تلقی می‌گردد که منجر به ناتوانی عمل در افراد شده و می‌تواند استرس‌زا و ناراحت‌کننده شود تا حدی که از آن اجتناب می‌کنند. با این حال افراد سطوح مختلفی از تحمل در برابر عدم قطعیت و ابهام را دارند. یکی از متغیرهایی که مسئول تنظیم رفتار در چنین شرایطی است، متغیر نیاز به بندش است. که بیانگر تمایل انگیزه‌ای برای شکل‌گیری قضاوت‌های روشن و بدون ابهام است (وبستر و کروگلاسکی، ۱۹۹۴). بنابراین بنابر احساس عاطفی و هیجانی هر فرد و چگونگی واکنش شناختی و رفتاری به عدم قطعیت، تاب و تحمل شرایط مبهم متفاوت است (ریز و پیلاتی، ۲۰۲۱). نیاز به بندش درجه‌ای از میل به یقین در افراد را می‌سجد و افرادی که در این مقیاس نمره‌های بالایی کسب می‌کنند به نظم و ترتیب ارزش می‌دهند، ابهام را دوست ندارند، سریع تصمیم می‌گیرند و قویا بر نظر و برداشت خود می‌ایستند (کروگلاسکی، ۱۹۹۴). نتایج پژوهش ریس (۲۰۲۱) نیز نشان داد که هر چه نیاز افراد برای رسیدن به پاسخ‌های واضح و روشن در موقعیت‌های مبهم کمتر باشد، احتمال همکاری با گروه خودی و غیر خودی در آنها بیشتر است.

آخرین یافته پژوهش حاضر نیز مربوط به عدم تأیید نقش تعدیل‌کننده جنسیت بر اثر عدم اطمینان درباره افراد بر میزان هم‌نواپی در تصمیم‌گیری‌های رفتار جامعه‌پسند بود و نتایج مدلسازی نشان می‌دهد که ورود متغیر جنسیت به مدل برازش معناداری ندارد. این یافته با بیشتر پژوهش‌های قبلی از

1. Curley, Yates & Abrams
2. Furnham, & Marks
3. Behrens, Woolrich, Walton, & Rushworth
4. Holt & Laury
5. Kappes, Nussberger, Faber, Kahane, Savulescu, Crockett
6. Hogg
7. van Dijk E, Wit A, Wilke H, Budescu
8. Phillips, J., Cushman, F.

نتایج پژوهش چیرچیا، پی‌سانیر و بلیکمور^۱ (۲۰۲۰)، نشان داد که هم‌نوایی با افزایش سن کاهش می‌یابد، و با توجه به نتایج مدل‌سازی اثرهای آمیخته که سن آزمودنی نیز به عنوان متغیر ثابت وارد مدل شد، مشاهده شد که متغیر سن با ضریب منفی ۲۱ درصد موثر در هم‌نوایی رفتار جامعه‌پسند می‌باشد و با آن رابطه عکس دارد که هم‌سو با نتایج چیرچیا و همکاران (۲۰۲۰) و به عنوان نتیجه‌ای فرعی، قابل تبیین بود.

اثر حاضر مانند هر پژوهش دیگر با محدودیت‌هایی روبرو بوده است که از جمله می‌توان به در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی، شناختی و شرایط اقتصادی افراد اشاره نمود. از همین رو پیشنهاد می‌گردد تا تحقیقات آتی به این متغیرها توجه نموده و نتایج را مقایسه نمایند. همچنین پیشنهاد می‌گردد تا مبانی عصب‌شناختی در حین انجام این تکلیف نیز مورد بررسی قرار گیرد. نتایج پژوهش حاضر علاوه بر آن که در مرزهای دانش به توسعه بینش نسبت به عوامل موثر بر رفتار جامعه‌پسند کمک نموده است؛ در حوزه عملی نیز می‌تواند مورد توجه و کاربست پژوهشگران و فعالان حوزه علوم اجتماعی، علوم رفتاری، تبلیغات، رسانه و بطور کلی دست اندرکاران حوزه کنترل رفتار انسانی قرار گیرد.

جمله کاماس و پرستون (۲۰۲۱)، چمنی، باقریان و شکر (۱۳۹۷) و مورگنروت و همکاران (۲۰۲۱) ناهمسو است اما با نتایج پژوهش علیزاده فرد (۱۳۸۹) همسو است. در تبیین این نتیجه لازم است تا خصوصیات گروه نمونه توجه نماییم. از جمله مهمترین این خصوصیات میانگین گروه سنی آزمودنی‌ها است که حدود ۲۵ سال بود. از این یافته می‌توان چنین نتیجه گرفت که جوانان جامعه در هم‌نوایی به‌ویژه هم‌نوایی با انجام رفتارهای جامعه‌پسند، تحت تأثیر کلیشه‌های جنسیتی قرار ندارند. نظریات اولیه درباره هم‌نوایی چنین مطرح می‌نمود که زنان و گروه‌های خاص اجتماعی مانند رنگین‌پوستان یا مهاجران هم‌نوایی بیشتری دارند. پژوهش علیزاده فرد (۱۳۸۹) مشخص ساخت که این موارد تحت تأثیر احساس کهنتری اجتماعی در این گروه‌ها قرار دارد و اگر شرایط کهنتری تغییر یابد، میزان هم‌نوایی آنها با سایر گروه‌ها متفاوت نبوده و حتی در شرایط برتری اجتماعی، هم‌نوایی کمتری نیز نشان می‌دهند. با توجه به این واقعیت، باید چنین تبیین نمود که زنان و دختران جوان جامعه (گروه نمونه)، از احساس کهنتری اجتماعی کمی برخوردار بوده و تحت تأثیر کلیشه جنسیتی "زن، جنس هم‌نوا" قرار ندارند. این یافته جالب و از نظر اجتماعی بسیار حائز اهمیت خواهد بود.


منابع

- چمنی، ر.؛ باقریان، ف.؛ شکر، ا. (۱۳۹۷). نقش سوگیری‌ها شناختی بر عقلانیت تصمیم‌گیری اقتصادی تحت ریسک در میان دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، فصلنامه روانشناسی شناختی، ۷(۱)، ۲۰-۱.
- علیزاده فرد، س. (۱۳۸۹). تأثیر جنسیت و موقعیت اجتماعی بر میزان هم‌نوایی، پژوهش‌های روانشناختی، ۱۳(۱)، ۵۰-۳۰.
- علیزاده فرد، س. (۱۳۹۰). بررسی اثر خستگی شناختی بر 10(9), 1214-1221.
- Brizi, A., Mannetti, L., & Kruglanski, A. W. (2016). The closing of open minds: Need for closure moderates the impact of uncertainty salience on outgroup discrimination. *British Journal of Social Psychology*, 55(2), 244-262. <https://doi.org/10.1111/bjso.12131>
- Chierchia, G., Pira Pi-Sunyer, B., & Blakemore, S. J. (2020). Prosocial influence and opportunistic conformity in adolescents and young adults.
- میزان هم‌نوایی با اکثریت، پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱(۱)، ۸۹-۱۰۰.
- فیسک، س.؛ تیلور، ا. (۱۴۰۰). شناخت اجتماعی: از مغز تا فرهنگ، ترجمه سوسن علیزاده فرد، حسین زارع، زهره رافضی. تهران: نشر آبیژن.
- گریفیندر، ر.؛ بلس، ه.؛ فیدلر، ک. (۱۳۹۹). شناخت اجتماعی، ترجمه سوسن علیزاده فرد و حسین زارع. تهران: انتشارات ارجمند.
- Aknin, L. B., Van de Vondervoort, J. W., & Hamlin, J. K. (2018). Positive feelings reward and promote prosocial behavior. *Current opinion in psychology*, 20, 55-59.
- Behrens, T. E., Woolrich, M. W., Walton, M. E., & Rushworth, M. F. (2007). Learning the value of information in an uncertain world. *Nature neuroscience*,

1. Chierchia, G., Pira Pi-Sunyer, B., & Blakemore, S. J.

- Psychological Science*, 31(12), 1585-1601.
- Curley, S. P., Yates, J. F., & Abrams, R. A. (1986). Psychological sources of ambiguity avoidance. *Organizational behavior and human decision processes*, 38(2), 230-256.
- De Cristofaro, V., Pellegrini, V., Baldner, C., van Zomeren, M., Livi, S., & Pierro, A. (2019). Need for closure effect on collective action intentions and behavior toward immigrants in Italy: The mediation of binding foundations and political conservatism. *Journal of Applied Social Psychology*, 49(10), 611-622.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., & Spinrad, T. L. (2006). *Handbook of child psychology* (Vol. 3, pp. 646-718). Hoboken, NJ, USA: John Wiley & Sons.
- Furnham, A., & Marks, J. (2013). Tolerance of ambiguity: A review of the recent literature. *Psychology*, 4(09), 717-728.
- Gall, M. D., Gall, J. P. & Borg, W. R. (2006). *Educational research: An introduction* (8th ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Hammond, J. R., & Fletcher, G. J. (1991). *Attachment styles and relationship satisfaction in the development of close relationships*. New Zealand Journal of
- Hoffman, M. L. (2002). *Empathy and moral development*. Cambridge UK university press.
- Hogg, M. A. (2000). Subjective uncertainty reduction through self-categorization: A motivational theory of social identity processes. *European review of social psychology*, 11(1), 223-255.
- Holt, C. A., & Laury, S. K. (2002). Risk aversion and incentive effects. *American economic review*, 92(5), 1644-1655.
- Jackson, M., & Tisak, M. S. (2001). Is prosocial behaviour a good thing? Developmental changes in children's evaluations of helping, sharing, cooperating, and comforting. *British journal of developmental psychology*, 19(3), 349-367.
- Jin L., Yu S., Mei L., Hui'e L., Wei F., Yiping Zh. (2020). Social distance modulates prosocial behaviors in the gain and loss contexts: An event-related potential (ERP) study. *International Journal of Psychophysiology*, 150, 83-91
- Kamas, L., Preston, A. (2021). Empathy, gender, and prosocial behavior, *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 92, 101654.
- Kappes, A., Nussberger, A. M., Faber, N. S., Kahane, G., Savulescu, J., & Crockett, M. J. (2018). Uncertainty about the impact of social decisions increases prosocial behaviour. *Nature human behaviour*, 2(8), 573-580.
- Kruglanski, A. W. (1990). Lay epistemic theory in social-cognitive psychology. *Psychological Inquiry*, 1(3), 181-197.
- Lampridis, E. & Papastylianou, D. (2017). Prosocial behavioural tendencies and orientation towards individualism-collectivism of Greek young adults, *International Journal of Adolescence and Youth*, 22:3, 268-282.
- Morgenroth, T., Sendén, M. G., Lindqvist, A., Renström, E. A., Ryan, M. K., & Morton, T. A. (2021). Defending the Sex/Gender Binary: The Role of Gender Identification and Need for Closure. *Social Psychological and Personality Science*, 12(5), 731-740.
- Padilla-Walker, L. M., & Fraser, A. M. (2014). How The assessment of empathy in adolescence: A contribution to the Italian validation of the Basic Empathy Scale. *Journal of Adolescence*, 32, 393-408.
- Phillips, J., & Cushman, F. (2017). Morality constrains the default representation of what is possible. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 114(18), 4649-4654.
- Quan, S., Li, M., Yang, X., Song, H., & Wang, Z. (2022). Perceived Parental Emotional Warmth and Prosocial Behaviors among Emerging Adults: Personal Belief in a Just World and Gratitude as Mediators. *Journal of Child and Family Studies*, 31(4), 1019-1029.
- Reis, M. I. C. S. D. (2021). *Does uncertainty impact how we act? the relationship between need for closure, moral*

- foundations and prosocial behavior*. Dissertation (Master's in Social, Work and Organizational Psychology), University of Brasília, Brasília.
- Reis, M. I. C. S. D. & Pilati, R. (2021). Need for Closure: Measure Adaptation to Brazil and Relation with Moral Foundations and Prosociality. *Trends in Psychol.* 29, 86–103.
- Roets, A. (2017). Three Decades of Need for Closure Research – About Epistemic Goals and (Not) Means. In C. E. Kopetz & A. Fishbach (Eds.), *The Motivation-Cognition Interface: From the Lab to the Real World: A Festschrift in Honor of Arie W. Kruglanski*. (p: 39-55). New York: Routledge
- Scourfield, J., Bethan, J., Neilson, M., & McGuffin, P. (2004). The development of prosocial behaviour in children and adolescents: A twin study. *Journal of Child Psychology & Psychiatry*, 45, 927-935.
- Selman, R. L. (2003). *The promotion of social awareness: Powerful lessons from the partnership of developmental theory and classroom practice* (p:13-25), Russell Sage Foundation, New York.
- Silver, I., & Silverman, J. (2022). Doing good for (maybe) nothing: How reward uncertainty shapes observer responses to prosocial behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 168, 104113.
- Sleesman, D. J., & Conlon, D. E. (2017). Encouraging prosocial decisions: The role of fairness salience and uncertainty. *Journal of Behavioral Decision Making*, 30(2), 502-515.
- Van Dijk, E., Wit, A., Wilke, H., & Budescu, D. V. (2004). What we know (and do not know) about the effects of uncertainty on behavior in social dilemmas. *Contemporary psychological research on social dilemmas*, 315-331.
- Vives, M. L., & FeldmanHall, O. (2018). Tolerance to ambiguous uncertainty predicts prosocial behavior. *Nature communications*, 9(1), 1-9.
- Webster, D. M., & Kruglanski, A. W. (1994). Individual differences in need for cognitive closure. *Journal of personality and social psychology*, 67(6), 1049.

	<p>COPYRIGHTS © 2023 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0)</p>
---	--

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی